

موضوع تحقیق

"شفاعت در مذهب تشیع"

نام محقق

رضا کاوسی قافی

استاد راهنما

حضرت حجت الاسلام قزایی

مقطع تحصیلی

پایه دوم

مرکز آموزشی

مدرسه علمیه حضرت آیت الله بهجت (ره)

فاطمیه ۱۴۳۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم و تقدیر:

تقدیم به بانوی دو عالم حضرت فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) که فرمودند: من داخل بهشت نمیشوم تا اینکه محبین و گریه کنان پسر م حسین (علیه السلام) را شفاعت کنم و داخل بهشت شوند...

و امید داریم که ماجزو محبین و گریه کنان امام حسین (علیه السلام) قرار بگیریم.

و تقدیر و تشکر میکنم از استاد بزرگوارم که ما را بر این امر خیر راهنمایی کردند و باعث شدند که محقق کلام اهل بیت باشیم تا بتوانیم دین مقدس اسلام را به دیگران بشناسانیم و از رحمت الهی باخبر گردند.

صُبُّ عِلْمٍ بِهَانِهِ زَهْرًا رَاطِحًا لَهَا

زهره که بر بهانه شفاعت نمر کند

لَشْكٍ رَقِيمَةٍ جَوْهَرٍ لَمْضًا رَحِيمًا لَهَا

مولا به امر فاطمه لامضای کند و لر

چکیده:

هدف از گردآوری این پژوهش این بود که دریچه‌ای زیبای دیگری از عقاید دین اسلام به سوی مسلمانان باز شود که بنده‌ی حقیر با کمک استاد راهنما توانستم نمی از دریای بی کران از مذهب تشیع را بازگو کنم.

در بخش اول به بررسی لغوی شفاعت پرداخته شد، سپس به صورت اجمال آیات قرآنی را که مربوط به شفاعت بود بیان کردیم (- آیاتی که شفاعت را نفی می‌کنند- ابطال عقیده یهود در شفاعت- نفی شفاعت از کافران- نفی صلاحیت شفاعت از بت‌ها- اختصاص شفاعت به خداوند- شفاعت مشروط برای غیر خدا).

در مرحله‌ی بعد بوسیله قرآن و حدیث اثر شفاعت را بیان کردیم که نظرات متعددی در این باره وجود دارد و در ادامه به شیوه‌ی شفاعت اشاره شد.

در بخش دیگر این کار پژوهشی بوسیله روایات آمدیم محدوده شفاعت را بیان کردیم و پس از آن به منحصر بودن شفاعت در خداوند و عدم شرک در دیگری پرداختیم در این بین شبه‌ای به ذهن می‌رسد که آیا شفاعت با عدل خداوند منافات دارد یا نه؟ که به حل آن در یک فصل مجزا پرداختیم.

در دو بخش قبل گفته شد که شفاعت منحصر به خداوند است ولی ما در این بخش می‌خواهیم بگوییم که با اذن خداوند میتوان افراد دیگری نیز شافع واقع شوند، پس لازم می‌آید که شفاعت کنندگان و شرایط ایشان و همه کسانی که به درجه شفاعت نایل میشوند را معرفی کرد که بعد از این مرحله برای اطلاق بحث شفاعت به بررسی شفاعت در آیات و روایات می‌پردازیم.

در آخر این پژوهش علمی به چند شبه که ممکن است برای خوانندگان مطرح شده باشد می‌پردازیم.

فهرست

۶	مقدمه:
۷	بررسی واژه شفاعت، شفیع، مفوع له، مشفوع عنده:
۷	در اثبات شفاعت:
۸	شفاعت در قرآن کریم:
۹	اثر شفاعت:
۱۰	شیوه ی شفاعت:
۱۰	محدوده شفاعت در روایات:
۱۱	انحصار شفاعت در خداوند وعدم شرک در دیگری:
۱۱	شفاعت با عدالت خداوند منافاتی ندارد!
۱۱	شفاعت به اذن خدا:
۱۲	شفاعت کنندگان به اذن خدا:
۱۲	در شرایط شفیع و کسانی که مورد شفاعت واقع میشوند:
۱۲	شرایط کسی که قابل شفاعت باشد و بشفاعت نائل شود:
۱۳	شفاعت در قرآن کریم:
۱۴	شفاعت در روایات:
۱۸	شبهات شفاعت:
۲۰	منابع:

مقدمه:

در دین مقدس اسلام پنج اصل اساسی وجود دارد که محور و اساس همه ی کارهای مسلمان ها بر آن اساس صورت میگیرد، که یکی از آن ها معاد است.

معاد در لغت مصدر میمی است: یعنی عود و بازگشتن. (هر چند در لغت به اسم زمان و مکان نیز آمده است^۱). اعتقاد مسلمان ها این است: ه خداوند جهان هستی را بر اساس هدفی آفریده است و آن رسیدن بندگانش به کمال است و خداوند معاد را با عدل خودش قرار داده است تا به حساب بندگانی که کفران نعمت میکنند با با بندگانی که شکران نعمت میکنند رسیدگی کند.

یکی از مزایایی که خدای متعال به بندگانش اختصاص داده این است که اگر بنده ی مومن تا هنگام مرگ ایمان خودش را حفظ کند، یعنی با ایمان از دنیا برود به عذاب ابدی مبتلا نخواهد شد.

گناهان کوچکش به خاطر دوری از کبایر فوگناهان بزرگش به خاطر توبه یکامل و مقبول آمرزیده می شود و اگر موفق به جنین توبه ای هم نشد، تحمل گرفتاریها و مصایب دنیا بار گناهانش را سبک خواهد کرد و سختیها ی برزخ ناخالصی هایش را می زداید. و اگر از آلودگی گناهان پاک نشد بوسیله ی شفاعت_ که تجلی بزرگترین و فراگیرترین رحمت الهی در اولیا خدا بویژه رسول اکرم (ص) و اهل بیته (علیهم الصلاه و سلام) میباشد_ از عذاب دوزخ نجات خواهد یافت.^۲

^۱ المفردات فی غریب القرآن: ماده ی

^۲ بحار الانوار جلد ۴۸ صفحه ی ۳۷۸ ادخرت شفاعتی لاهل ال کبایر من امتی

بررسی واژه شفاعت، شفیع، مفوع له، مشفوع عنده:

معنای شفاعت: واژه شفاعت در لغت از ریشه "شفع" به معنای جفت و زوج در مقابل "وتر" به معنای فرد است و حقیقت آن عبارت است از همراه شدن فردی به فرد دیگری به انگیزه ی یاری دادن او یا درخواست یاری او در حق دیگری، بنابراین در شفاعت پای سه فرد در میان است:

۱. شفیع: شفاعت کننده

۲. مشفوع له: شفاعت شونده

۳. مشفوع عنده: شفاعت یزیرنده

در اثبات شفاعت:

اصل شفاعت از ضروریات مذهب شیعه، و آیات و اخبار بسیار بر ثبوت آن وجود دارد از جمله:

۱- آیه شریفه «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا»^۳ (در این روز نفع نمی بخشد شفاعت مگر کسی را که خداوند رحمن شفاعت او را اذن دهد و برای او سخن شفیع را پسندد).

۲- «لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً إِلَّا مَنْ بَعْدَ أَنْ يَأْذِنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى»^۴ (سود نمی بخشد شفاعت آن ملائکه چیزی را مگر بعد از آنکه خدا اذن دهد برای کسی که بخواهد و پسندد).

۳- «لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ»^۵ (و سود نبخشد شفاعت نزد خدا مگر برای کسی که خداوند شفاعت کردن او را دستور داده باشد).

۴- «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى»^۶ (و شفاعت نمیکنند این فرشتگان مگر برای کسی که خدا پسندد).

۵- «وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ

يَعْلَمُونَ»^۷ (کسانی را که کافران جز خدا میخوانند مالک شفاعت نیستند مگر آن کسی که برآستی گواهی دهد و داند آن شهادت چگونه میدهد) که آیات مزبور بدلیل استثناء شفاعت را میکند منتها بعد از آنکه خدا اذن دهد و رضایت داشته باشد و مراد از ارتضاء در آیات مزبور مرضی بودن دین مشفوع له است، چنانچه شیخ طبرسی (ره) در تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه و لا یشفعون الا لمن ارتضى فرموده «لمن ارتضى الله دينه» و الا اگر مراد مرضی بودن جمیع اخلاق و اعمال او باشد محتاج بشفاعت نیست مگر برای ارتفاع درجه (مانند انبیاء و اولیاء).

^۳ (۱) سوره طه آیه ۱۰۶

^۴ (۲) سوره النجم آیه ۲۶

^۵ (۳) سوره سبأ آیه ۲۲

^۶ (۴) سوره انبیاء آیه ۲۹

^۷ (۱) سوره زخرف آیه ۸۶

شفاعت در قرآن کریم:

آیات مربوط به شفاعت را می‌توان بر چند دسته تقسیم نمود:

۱- آیاتی که شفاعت را نفی می‌کنند:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ^۸ «ای اهل ایمان از آنچه روزی شما کردیم، انفاق کنید پیش از آن که روزی بیاید که نه خرید [و فروشی] هست و نه دوستی و شفاعتی به کار آید و کافران در آن روز درمی‌یابند که به خود ستم کردند».

ولی آیات دیگر به وجود شفاعت به اذن خداوند متعال صراحت دارد. پس آیه فوق شفاعت بدون اذن را نفی می‌کند.

۲- ابطال عقیده یهود در شفاعت:

يا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ* وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ^۹ «ای بنی اسرائیل یاد کنید نعمت هایی را که به شما عطا کردم و شما را بر عالمیان برتری دادم. و دوری کنید از روزی که در آن، کسی به جای دیگری مجازات نشود و هیچ شفاعت از کسی پذیرفته نشود و عوض قبول نکنند و یاری نشوند».

قرآن اعتقاد به یک نوع شفاعت باطل را که در یهود بوده، رد می‌کند، شفاعتی که هیچ‌گونه شرطی در شفیع یا کسی که شفاعت شده قرار نمی‌دهد و هیچ نوع ارتباطی با اذن خداوند ندارد.

۳- نفی شفاعت از کافران

وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ* حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ* فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ^{۱۰}؛

«و روز جزا را تکذیب می‌کردیم تا آن که [با مرگ] یقین به قیامت پیدا کردیم پس در آن روز شفاعت شفیعان سودی به آنان نرساند».

۴- نفی صلاحیت شفاعت از بت‌ها:

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ فَلَا تُنْبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ^{۱۱}؛ «[این مردم نادان] به جای خدا چیزهایی را می‌پرستند که به آنها هیچ سود و زبانی نمی‌رساند و می‌گویند که این بت‌ها شفیع ما نزد خدا هستند، به اینان بگو شما به بهانه شفاعت بت‌ها می‌خواهید به خدا چیزی که در همه آسمان‌ها و زمین علم به آن ندارد، یاد دهید؟! خدا از آنچه شریک او قرار می‌دهید برتر و منزّه است».

۵- اختصاص شفاعت به خداوند:

^۸ (۱). بقره (۲) آیه ۲۵۴.

^۹ (۲). همان، آیه ۴۷-۴۸.

^{۱۰} (۳). مدثر (۷۴) آیه ۴۶-۴۸.

^{۱۱} (۱). یونس (۱۰) آیه ۱۸.

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعاً لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ^{۱۲}؛ «بگو [ای پیامبر!] شفاعت تنها از آن خداست که مالک زمین و آسمان هاست و پس از مرگ، بازگشت همه شما به سوی اوست».

۶- شفاعت مشروط برای غیر خدا:

مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ^{۱۳}؛ «هیچ شفيعی جز به اجازه او نخواهد بود». وَ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ...^{۱۴}؛ «و نفع نمی دهد شفاعت نزد خدا مگر برای کسی که خداوند برای او اذن دهد».

مقتضای جمع بین آیات این است: - از آن جا که طبق عقیده توحید افعالی، و این که مؤثری بالاصاله در عالم به جز خدا نیست، و هر تأثیری به اذن و اراده اوست - برخی از آیات شفاعت را منحصرأً برای خدا قرار داده است، ولی منافات ندارد که این حق اختصاصی خود را به کسی بدهد، تا با اجازه او، اعمال کند. همان گونه که به پیامبر و اولیای خود چنین اجازه ای داده است.

اثر شفاعت:

آیا نتیجه شفاعت، آموزش گناهان گنهگار است، یا افزایش ثواب و بالارفتن درجات مطیعان؟

درباره نتیجه و اثر شفاعت دو نظر وجود دارد ۱- شفاعت بمعنای از بین رفتن گناهان و عقاب است. ۲- شفاعت یعنی زیادی ثواب و ترفیع درجات. بیشتر مسلمانان معتقد به قول اول اند. ولی معتزله قول دوم را پذیرفته اند و حق با قول اول است، به چند دلیل:

۱- اصل اعتقاد به شفاعت، در بین یهود و بت پرستان قبل از اسلام رایج بوده است و اسلام، بعد از آن که خرافات آن را از بین برد، در جامعه اسلامی مطرح ساخت. و کسانی که از دیدگاه های یهود و بت پرستان قبل از اسلام، در امر شفاعت اطلاع دارند، می دانند شفاعتی را که آنان برای انبیاء و پدران شان معتقد بودند، در سقوط گناهان و غفران آنها بوده است. و تنها اشکالشان این بود که حق شفاعت را بدون هیچ شرطی برای آنان قائل بودند، ولی اسلام با پذیرش اصل اعتقاد به شفاعت آن را مشروط به اذن خداوند نمود، آن جا که می فرماید: **مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ**^{۱۵}؛ «کیست که نزد خدا شفاعت کند مگر به اذن او». **و لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى**^{۱۶} «و شفاعت نمی کنند شفاعت کنندگان مگر در حق کسی که مورد رضایت پروردگار است».

۲- روایات شیعه و اهل سنت دلالت بر عمومیت شفاعت دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ادخرت شفاعتی لأهل الكبائر من امتی»^{۱۷}؛ شفاعتم را برای صاحبان گناهان کبیره امتم، ذخیره کرده ام.

۳- برخی از آیات تصریح می کند که خداوند حتی بدون توبه، از گناهان عفو می کند، که این با شفاعت به معنای اسقاط گناهان سازگاری دارد. خداوند متعال

می فرماید: **هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ**^{۱۸} «او کسی است که توبه را از بندگان خود می پذیرد و گناهان را عفو می نماید».

^{۱۲} (۲). زمر (۳۹) آیه ۴۴.

^{۱۳} (۳). یونس (۱۰) آیه ۳.

^{۱۴} (۴). سبأ (۳۴) آیه ۲۳.

^{۱۵} (۱). بقره (۲) آیه ۲۵۵.

^{۱۶} (۲). انبیاء (۲۱) آیه ۲۸.

^{۱۷} (۳). سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۴۴۱.

^{۱۸} (۱). شوری (۴۲) آیه ۲۵.

شیوه ی شفاعت:

شفاعت به گونه ای که در بین افراد شیوع دارد به یکی از شیوه های زیر است :

الف) مشفوع له از شفیع درخواست شفاعت می کند؛ یعنی از او می خواهد به نزد مشفوع عنده برود و از او بخواهد که به درخواست او جامع عمل ببوشاند.

ب) شخص دیگری از شفیع بخواهد تا در حق مشفوع له شفاعت کند

ج) مشفوع عنده از شفیع بخواهد تا مزد او در حق مشفوع له شفاعت کند .

د) خود شفیع بدون آنکه کسی از او بخواهد به شفاعت اقدام کند.

*همه ی حالت های ذکر شده در مورد شفاعت های اخروی نیز ممکن است البته در همه ی موارد یادشده به جز به اذن و مشیت و رضای خداوند انجام نخواهد شد."

محدوده شفاعت در روایات:

شفاعت مطلق و بی قید و شرط را یهود و نصاری و مشرکان معتقد بودند، اما شفاعتی که قرآن آن را پذیرفته، شفاعتی است که شرایطی در شفیع، در شفاعت شده و در مورد شفاعت دارد.

اما شفیع، هر چه هم نزد خداوند، رتبه و منزلت داشته باشد، جز با اذن و رضایت خدا شفاعت نمی کند. آیات یاد شده، بر این شرط دلالت می کرد.

اما شفاعت شده باید به وسیله ایمان به خدا و یکتایی او و ایمان به پیامبران الهی و کتب آسمانی، پیوند خود را با خدا استوار سازد و از کسانی نباشد که دستشان آلوده به جنایت شده و در گناهان غرق شده اند. این شرطها و محدوده ها در روایات شیعه و اهل سنت بیان شده که حتی مجال ذکریک دهم آن ها هم نیست. تنها به ذکر چند نمونه اکتفا می کنیم:

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نزدیک ترین شما به من در فردای قیامت و شایسته ترین شما برای برخورداری از شفاعتم کسی است که از همه راستگوتر، امانت دارتر، خوش اخلاق تر و نزدیک تر به مردم باشد.»^{۱۹}

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «ای گروه شیعه! از گناه دست برنمی دارید و از شفاعت ما سخن می گوئید! به خدا سوگند کسی که مرتکب این گناه (زنا) شود به شفاعت ما نمی رسد تا آنکه رنج عذاب به او برسد و هراس دوزخ را ببیند.»^{۲۰}

۳. امام کاظم علیه السلام فرمود: چون وفات پدرم حضرت صادق علیه السلام فرار سید، به من فرمود:

«بسر! هر کس نماز را سبک بشمارد به شفاعت ما نمی رسد.»^{۲۱}

اما نسبت به مورد شفاعت باید گفت که شرک و الحاد مورد شفاعت قرار نمی گیرد.

^{۱۹} (۱). تیسیر المطالب، سید یحیی زیدی: ج ۱، ص ۴۴۲

^{۲۰} (۲). کافی: ج ۵، ص ۴۶۹

^{۲۱} (۱). کافی: ج ۳، ص ۲۷۰

خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ»^{۲۲} «خداوند، شرک ورزیدن به او را نمی‌آمرزد و جز آن را برای هر کس بخواد می‌بخشاید.»

انحصار شفاعت در خداوند و عدم شرک در دیگری:

"بگو همه ی شفاعت از آن خداست ، فرمانروایی آسمانها زمین از آن اوست ، سپس بسوی او بازگردانده می شوید "

روشن است که خداوند نزد کسی برای کسی شفاعت نمی‌کند زیرا او برتر از هر چیزی است و هر چیزی در پیشگاه او خاشع است معنای اینکه شفاعت از آن اوست این است که خدای سبحان مالک مقام شفاعت داست و هیچکس جز با اجازه ی او شفاعت نمی کند.

این آیه نیز نفی بر عقاید مشرکیناست که برای غیر خدا شفاعت قائل بودند و هم نفی عقاید یهود و نصاری است که به شفاعت مطلق و بی قید و شرط در مورد شفاعت کننده و شفاعت شونده معتقدند. شفاعت از آن خداست و بر آن سلطه دارد و جز خدا مالک آن نیست و این منافات دارد با اینکه بندگانی باشند که چون مورد رضایت الهی هستند اذن شفاعت داشته باشند .

شفاعت با عدالت خداوند منافاتی ندارد!

شفاعت با عدالت خداوند منافاتی ندارد، چون اینطور نیست که ما مرتکب گناه شویم و بگوییم ما را شفاعت می کنند ،لذا شفاعت نصیب هر کسی نمی شود و شرایطی دارد که در این باره کلامین سه نظر دارند :

۱. گروه اول وعیدیه؛در مسائل سخت گیرند و می گویند شفاعت مخصوص مومنین از امت است ،نه فاسقان و حقیقت شفاعت هم به معنای طلب زیادی است برای مؤمنان.

۲. گروه دوم در مسائل برعکس وعیدیه آسان میگیرند و می گویند شفاعت مال فاسقان این امت است که با ایمان از دنیا رفته اند ولی در اروندهایشان گناه هم هست و با شفاعت پیامبر وائمه (علیهم الصلاه والسلام) حساب آن ها پاک میشود و بخشیده می شوند.

۳. گروه سوم:می گویند حق این است که شفاعت به دو معنا اطلاق شود نزد عقلا به دومعنا به کار رفته است.

شفاعت به اذن خدا:

آیاتی هست که به روشنی دلالت بر شفاعت کسانی با اذن الهی دارد. اما اینکه آنان کیانند؟ قرآن از آنان چیزی نمی گوید. اینک آیات:

۱. «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ»^{۲۳}، «کیست که نزد خدا شفاعت کند، مگر به اذن او.»

۲. «مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ»^{۲۴}، «هیچ شفيعی نیست، مگر پس از اجازه او.»

۲۲ (۲). نساء: ۴۸ و ۱۱۶

۲۳ (۲). بقره: ۲۵۵

۲۴ (۳). یونس: ۳

۳. «لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا»^{۲۵} «مالک شفاعت نیستند، مگر کسی که نزد خداوند، عهد و پیمانی گرفته باشد.»

شفاعت کنندگان به اذن خدا:

۱. پیامبر اکرم (ص)

۲. فرشتگان، پیامبران و شهیدان

۳. اهل بیت (علیهم السلام)

۴. عالمان الهی

۵. قرآن کریم

۶. مومنان پارسا

۷. عبادات و کارهای نیک

۸. خویشاوندان و همسایگان

در شرایط شفیع و کسانی که مورد شفاعت واقع میشوند:

چنانچه معلوم است شفاعت مرتبه منیع و شأن رفیع و درجه بزرگی است که هر کس باین مرتبه نائل نشود بلکه شرط نیل باین مقام قرب و منزلت نزد خداوند است و هر که قریب بیشتر باشد شفاعتش بالاتر خواهد بود.

بنابراین اعلا مرتبه شفاعت برای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و صدیقه طاهره سلام الله علیها خواهد بود و پس از اینها انبیاء مرسلین و عباد صالحین و ملائکه مقررین تا برسد بمؤمنین بدرجات مختلفه و مراتب متفاوته آنها.

شرایط کسی که قابل شفاعت باشد و بشفاعت نائل شود :

اول- ایمان چنانچه مکرر تذکر داده شد بلی غیر مؤمن را ممکن است در صورتی که خدمت و محبتی در باره شفیع کرده باشد در تخفیف عذاب شفاعتش کنند.

دوم- از کسانی نباشد که بعضی اخبار قطعی الصدور از شفاعت محرومند مانند تارک صلاه عامدا و تارک حج و مانع زکاه و نحو اینها.

سوم- باید ارتباطی با شفیع داشته باشد مثل اینکه خدمت یا احسان و محبتی در باره او یا بستگان و دوستان شفیع کرده باشد.

چهارم- باید عملی داشته باشد که در پیشگاه احدیت مورد قبول واقع شود تا عفو و گذشت از او دارای حسن باشد و فعل حق جزافی نباشد.

^{۲۵} (۱) . مرجع: ۸۷

شفاعت در قرآن کریم:

آیات مربوط به شفاعت را می‌توان بر چند دسته تقسیم نمود:

۱- آیاتی که شفاعت را نفی می‌کنند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛^{۲۶} «ای اهل ایمان از آنچه روزی شما کردیم، انفاق کنید پیش از آن که روزی بیاید که نه خرید [و فروشی] هست و نه دوستی و شفاعتی به کار آید و کافران در آن روز درمی‌یابند که به خود ستم کردند».

در این آیه شریفه شفاعتی را که بدون اذن خدا باشد به کار نمی‌آید را رد می‌کند نه اصل شفاعت را ولی عده ای همین آیه را بر نفی اصل شفاعت گرفتند.

۲- ابطال عقیده یهود در شفاعت:

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ* وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ؛^{۲۷} «ای بنی اسرائیل یاد کنید نعمت هایی را که به شما عطا کردم و شما را بر عالمیان برتری دادم. و دوری کنید از روزی که در آن، کسی به جای دیگری مجازات نشود و هیچ شفاعت از کسی پذیرفته نشود و عوض قبول نکنند و باری نشوند».

قرآن اعتقاد به یک نوع شفاعت باطل را که در یهود بوده، رد می‌کند، شفاعتی که هیچ‌گونه شرطی در شفیع یا کسی که شفاعت شده قرار نمی‌دهد و هیچ نوع ارتباطی با اذن خداوند ندارد.

۳- نفی شفاعت از کافران

وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ* حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينَ* فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ؛^{۲۸}

«و روز جزا را تکذیب می‌کردیم تا آن که [با مرگ] یقین به قیامت پیدا کردیم پس در آن روز شفاعت شفیعان سودی به آنان نرساند». عرض کردیم که شفاعت مخصوص کسانی از مسلمان هاست که شرایط خاص به خودش را داشته باشد، پس اصل اولیه در شفاعت مسلمان بودن است. لذا کافران زیر این جتر رحمت الهی خارج میشوند.

۴- نفی صلاحیت شفاعت از بت‌ها:

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ فَلَا تُنْبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ؛^{۲۹} «[این مردم نادان] به جای خدا چیزهایی را می‌پرستند که به آنها هیچ سود و زبانی نمی‌رساند و می‌گویند که این بت‌ها شفیع ما نزد خدا هستند، به اینان بگو شما به بهانه شفاعت بت‌ها می‌خواهید به خدا چیزی که در همه آسمان‌ها و زمین علم به آن ندارد، یاد دهید؟! خدا از آنچه شریک او قرار می‌دهید برتر و منزّه است».

۲۶ (۱) بقره (۲) آیه ۲۵۴.

۲۷ (۲) همان، آیه ۴۷-۴۸.

۲۸ (۳) مدثر (۷۴) آیه ۴۶-۴۸.

۲۹ (۱) یونس (۱۰) آیه ۱۸.

این آیه به صراحت بیان کرده که، بت ها هیچ سود و زبانی نمی توانند به چیزی برسانند چه در این دنیا و چه در فردای قیامت.

۵- اختصاص شفاعت به خداوند:

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ^{۳۰}؛ «بگو [ای پیامبر!] شفاعت تنها از آن خداست که مالک زمین و آسمان هاست و پس از مرگ، بازگشت همه شما به سوی اوست».

در این آیه شریفه بیان کرده است که شفاعت همه اش از آن خداست که منظور از این به اذن الله بودن است نه اینکه غیر خدامثلاً انبیاء و اولیاء نمیتوانند شفاعت کنند.

۶- شفاعت مشروط برای غیر خدا:

مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ^{۳۱}؛ «هیچ شفیعی جز به اجازه او نخواهد بود». وَ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ...^{۳۲}؛ «و نفع نمی دهد شفاعت نزد خدا مگر برای کسی که خداوند برای او اذن دهد».

مقتضای جمع بین آیات این است: - از آن جا که طبق عقیده توحید افعالی، و این که مؤثری بالاصاله در عالم به جز خدا نیست، و هر تأثیری به اذن و اراده اوست - برخی از آیات شفاعت را منحصرأ برای خدا قرار داده است، ولی منافات ندارد که این حق اختصاصی خود را به کسی بدهد، تا با اجازه او، اعمال کند. همان گونه که به پیامبر و اولیای خود چنین اجازه ای داده است.

شفاعت در روایات:

در بحار به نقل از کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام آورده است که امام رضا علیه السلام از قول پدرش امام کاظم علیه السلام و او از پدرش تا امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده:

من لم يؤمن بحوضي - الحوض: الكوثر - فلا آورده الله حوضي و من لم يؤمن بشفاعتي فلا اناله الله شفاعتي ...

هر کس به حوض من ایمان نیاورد - حوض کوثر - خداوند او را بر حوض من وارد نسازد، و هر کس به شفاعت من ایمان نیاورد، خداوند شفاعت مرا به او نرساند ...

باکمی دقت در این روایت نورانی، خواهیم دید که یکی دیگر از چیز های که باعث میشود مورد رحمت الهی واقع شویم این است که ایمان داشته باشیم به شفاعت و بخشش خداوند همانطور که در آیه شریفه آمده است به رحمت خداوند امید داشته باشیم .

"قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ" ۳۳

۳۰ (۲). زمر (۳۹) آیه ۴۴.

۳۱ (۳). یونس (۱۰) آیه ۳.

۳۲ (۴). سبأ (۳۴) آیه ۲۳.

۳۳ سوره زمر آیه ۵۳

بگو: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.»

راوی در پایان روایت از امام رضا علیه السلام می‌پرسد: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! پس معنای فرموده خدای عز و جل چیست که می‌فرماید: "وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى" شفاعت نمی‌کنند مگر برای کسی که خدا راضی است. فرمود: معنای آیه این است که:

شفاعت نمی‌کنند مگر برای کسی که خداوند دینش را پسندیده است.^{۳۴}

در مسند احمد آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده:

الصيام والقرآن يشفعان للعبد يوم القيامة، يقول الصيام: اي ربّ منعتني الطعام والشهوات بالنهار فشفعني^{۳۵} فيه، و يقول القرآن: منعتني النوم بالليل فشفعني فيه، قال: فيشفعان.

روزه و قرآن در روز قیامت برای بنده خدا شفاعت می‌کنند، روزه گوید:

پروردگارا! من او را در طول روز از همه غذاها و شهوات بازداشتیم، حال، مرا شفیع او گردان. و قرآن گوید: من او را از خواب شب بازداشتیم، اکنون مرا شفیع او قرار ده. فرمود: و بدین گونه او را شفاعت می‌کنند.^{۳۶}

در روایت دیگری از امام علی علیه السلام است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

ثلاثة يشفعون الى الله عز و جل فيشفعون: الانبياء ثم العلماء ثم الشهداء.

سه گروه‌اند که نزد خدای عز و جل شفاعت کرده و شفاعتشان پذیرفته می‌شود:

انبیا و علما و شهدا.^{۳۷}

در سنن ابن ماجه آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

يشفع يوم القيامة ثلاثة: الانبياء ثم العلماء ثم الشهداء.

سه گروه در روز قیامت شفاعت می‌کنند: انبیا و علما و شهدا.^{۳۸}

در بحار از امام صادق علیه السلام درباره شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز قیامت حدیثی آورده که در آخر آن آمده است:

^{۳۴} (۱) - بحار ج ۸ ص ۳۴، و انبیا/ ۲۸.

^{۳۵} (۱) - در متن کتاب "فیشفعنی" آمده که اشتباه است.

^{۳۶} (۲) - مسند احمد ج ۲ ص ۱۷۴.

^{۳۷} (۳) - بحار ج ۸ ص ۳۴.

^{۳۸} (۴) - سنن ابن ماجه باب ذکر شفاعت حدیث ۴۳۱۳.

... ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يومئذ يخر ساجدا فيمكث ما شاء الله فيقول الله عز وجل: ارفع رأسك و اشفع تشفع، و سل تعطى. و ذلك قوله تعالى:

" عسى ان يبعثك ربك مقاما محمودا".

... رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم در آن روز به سجده می افتد و تا هنگامی که خدا بخواهد درنگ می کند، پس از آن خدای عز و جل می فرماید: سر خود را بردار و شفاعت کن تا شفاعت پذیرفته گردد، و درخواست کن تا خواستهات عطا شود. و این همان سخن خدای متعال است که فرموده: امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد.^{۳۹} مشروح این خبر در تفسیر ابن کثیر و طبری و دیگران با عباراتی متفاوت نیز، آمده است.^{۴۰}

ترمذی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود:

شفاعتی لاهل الكبائر من امتی.

شفاعت من برای صاحبان کبائر از امتم می باشد.^{۴۱}

* عبور فاطمه علیها سلام الله از محشر، و شفاعت کبری

در این حال از داخل عرش پروردگار، منادی ندا میکند:

يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ! غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَمُرَّ بِنْتُ حَبِيبِ اللَّهِ إِلَيَّ قَصْرَهَا!

«ای اهل محشر! چشمان خود را پائین بیفکنید و خیره نگاه نکنید، که دختر حبیب خدا اینک می خواهد به قصرش برود!»

فَتَمُرُّ فَاطِمَةُ بِبَنِي، عَلَيْهَا رِيْطَتَانِ خَضْرَاوَانٍ، وَ عِنْدَ حَوْلِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ حَوْرَاءَ. فَأِذَا بَلَغَتْ إِلَى بَابِ قَصْرِهَا وَجَدَتْ الْحَسَنَ قَائِمًا وَالْحُسَيْنَ قَائِمًا^{۴۲} مَقْطُوعَ الرَّأْسِ.

«در اینحال دختر من فاطمه در محشر حرکت میکند، و بر دوش او دو حله سبز رنگ است، و در اطراف او هفتاد هزار حوریه حرکت می کنند. و چون به در قصرش میرسد، می بیند که حسن بر در ایستاده است، و حسین با سر بریده بر در ایستاده است.»

به فرزندش حسن میگوید: ای حسن! این شخص سر بریده کیست؟

حسن میگوید: این برادر من است! اَمّت پدرت او را کشتند، و سرش را جدا کردند

^{۳۹} (۱) - بخارج ۸ ص ۳۶، و اسراء/ ۷۹.

^{۴۰} (۲) - به تفسیر آیه در تفسیر طبری و قرطبی و ابن کثیر و صحیح بخاری کتاب تفسیر ج ۳ ص ۱۰۲ و سنن ابن ماجه حدیث (۴۳۱۲) و سنن ترمذی ج ۹ ص ۲۶۷ مراجعه شود.

^{۴۱} (۳) - سنن ترمذی کتاب « صفة يوم القيامة ».

^{۴۲} (۱)

. در اصل « تفسیر فرات بن ابراهیم » أَوْ الْحُسَيْنِ تَائِبًا (یعنی حسین با سر بریده خوابیده بود.) ضبط کرده است. (تعلیقه)

در اینحال از جانب خدا برای فاطمه ندا می آید:

ای دختر حبیب خدا! من آنچه را که امت پدرت با او بجا آورده بودند به تو نشان دادم؛ چون در ازاء این مصیبت و در پاداشی این شهادت، من برای تو در نزد خود ذخیره کرده بودم و با خود قرار داده بودم که نظر در محاسبه بندگان خود نکنم تا زمانی که تو و ذریه تو و شیعیان تو و کسانی که به شما و ذریه شما احسان کرده اند گرچه از شیعیان تو نباشند؛ همه را داخل در بهشت گردانم!

پس فاطمه داخل بهشت می شود. و ذریه او و شیعه او داخل بهشت میگردند. و هر کسی که به فاطمه احسان نموده باشد گرچه از شیعیان نباشد داخل در بهشت می شود.

شبهات شفاعت:

از طرف معترضان و مخالفان، اشکالاتی به شفاعت مطرح شده که ناشی از عدم درک حقیقت شفاعت است:

۱. گفته شده که اعتقاد به شفاعت موجب جرئت بر گناه شده و در نتیجه احکام الهی مورد بی‌اعتنایی قرار خواهد گرفت؟

در پاسخ این شبهه چنین باید گفت که: اولاً این اشکال به مسأله شفاعت اختصاص ندارد چون آیات قرآن بر رحمت و اسعه الهی و اینکه جز شرک همه ی گناهان رامی آموزد و اینکه توبه گناهکاران پذیرفته میشود تأکید کرده است. "إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا"^{۴۳} و "وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ"^{۴۴}

ثانیاً زمانی وعده شفاعت باعث تخریب بر گناه میشود که که مطلق و بدون هیچ قید و شرط باشد ولی واقعیت الامر چنین نیست، چون شفاعت شروطی دارد و تا اذن و رضایت الهی به شفاعت تعلق نگیرد، شفاعت سودی نبخشد و اینکه چه گناهانی و در چه وقت مشمول شفاعت دارم دقیقاً معلوم نیست.

۲. تصور شده است که چون شفاعت همگانی نیست مستلزم تبعیض در مجازات خواهد بود و حریم الهی نقض خواهد شد؟

درست است که گناه در هر صورتی که انجام گیرد حریم الهی را نقض میکند ولی این مطلب واضح است که نقض حریم الهی دارای درجات و مراتبی است و این تفاوت ناشی از حالات روحی و اعتقادی فرد گناهکار است، چون میان کسی که به ربوبیت خداوند و حرمت احکام الهی ایمان دارد و با هزار شرمندگی گناه را مرتکب میشود و فردی که به آن اعتقاد ندارد و بی باکانه و با کمال پرویی دست به گناه میزند فرق بسیار است و کیفر این دو فرد از لحاظ شرع و عقل هم یکسان نیست و این عین عدل و حکمت خداست.

۳. گفته شده است شفاعت با عدل، حکمت خداوند ناسازگار است؟

جواب این شبهه نیز در پاسخ به شبهه بالا داده شده است: "چون میان کسی که به ربوبیت خداوند و حرمت احکام الهی ایمان دارد و با هزار شرمندگی گناه را مرتکب میشود و فردی که به آن اعتقاد ندارد و بی باکانه و با کمال پرویی دست به گناه میزند فرق بسیار است و کیفر این دو فرد از لحاظ شرع و عقل هم یکسان نیست و این عین عدل و حکمت خداست."

۴. گاهی تصور شده است که شفاعت در قیامت از قبیل پارتی بازی های دنیوی است که امری مزوم و ناپسند است؟

آنچه در پارتی بازی های دنیوی مذموم و بد شمرده می شود نفس و ساطت پذیری نیست بلکه نگوشت آن مربوط به شیوه و نوع و ساطت است، اما هیچ یک از جهات نگوشت یاد شده و غیر آن وجود ندارد چرا که همان طور که گفته شد نه حق کسی ضایع میشود و نه تبعیض ناروا صورت میگیرد.

۵. نمی توان از اولیا و صالحان درخواست شفاعت کرد چون آنها مرده اند؟

این، آخرین دلیلی بود که منکران شفاعت به آن استناد می کردند که نمی توان از اولیا و صالحان درخواست شفاعت کرد.

^{۴۳} سوره ی نساء آیه ۴۸

^{۴۴} سوره شوری آیه ۲۵

جواب آن است که: در بحث حیات برزخی ثابت کردیم که: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^{۴۵} شهدا زنده‌اند و نزد پروردگارش روزی می‌خورد. پس وقتی شهیدان نزد پروردگارش زنده‌اند، پیامبر شهیدان به طریق اولیٰ نزد پروردگارش زنده است، پس درخواست شفاعت از او بیهوده نیست، چون زنده است و روزی می‌خورد و سخن ما را می‌شنود و به اذن پروردگار، جایگاه ما را می‌بیند.

^{۴۵} سوره آل عمران آیه ۱۶۲

منابع :

۱. شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲،
۲. عقاید اسلام در قرآن کریم، ج ۲،
۳. سیمای عقائد شیعه،
۴. کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام،
۵. شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲،
۶. معاد شناسی، ج ۵،